

Anahita A Research Journal of Persian Language, Literature Art & Culture No. 04, 2017, pp 49-60	آناهیتا مجله علمی- پژوهشی زبان، ادبیات، فرهنگ و تمدن فارسی شماره: 04 سالنامه 2017 میلادی، صص 49-60
---	---

An Analysis of the Superficial Music in Urfi's Poetry

*Fateme Ghafuri

Jamal ud Din Mohammad Urfi Shirazi, one of the tenth century first class poets is famous in Iran India and Rome. He is one of the most eloquent poets in his period leaving behind beautiful lasting works in spite of his youth and early death .

His collection contains: qasidas (odes), ghazals (sonnets), quatrains, saqi nameh, targiband, tarkibband, mathnavis Majma ul Abkaar and Farhad-o-Shirin and Resala-e-Nafisia in prose. However, Urfi calls himself a ghazal poet and his ghazals (sonnets) are rich in mystic and liberal thought, his fame is mostly due to his qasidas (odes).

In addition to his fluency and use of simple language, his command of the musical aspect in poetry is the secret of his success. Accuracy of niceties in his poems and the appropriate use of meter and rhyme have bestowed special pulchritude upon his poetry. His rhythmic poetry is to a large extent a result of the appropriate use of these poetic elements.

This research relates to the superficial music its effects and place in Urfi's poetry. It analyses its method and content after giving and introduction about the poet, the music in his sonnets and qasidas. Prosodic meters and the collected results are described in tables and charts. Finally, it has been found that Urfi's meter poetry in sonnets and odes was mostly rhyme meter.

Keywords: Urfi Shirazi, Odes, Sonnets, Musical, System meter

بررسی موسیقی بیرونی در شعر عرفی شیرازی

*فاطمه غفوری

چکیده:

جمال الدین محمد عرفی شیرازی از شاعران طراز اول سده دهم، مشهور در ایران و هند و روم و از سخنوران بزرگ عصر خویش که با وجود حوادث سن و مرگ در دوره جوانی آثار زیبا و ماندگاری از خویش بر جای نهاده است، کلیات او شامل قصاید، غزلیات، قطعات، رباعیات، ساقی نامه ها، ترجیع بند و ترکیب بند و مثنویهای مجمع الالبکار و فرهاد و شیرین (ناتمام) و رساله نفسیه به نثر است.

گرچه عرفی خود را غزلسرا می داند و غزلیات او سرشار از تفکرات عرفانی و نوعی آزاد اندیشی است اما شهرت او بیشتر به خاطر قصاید اوست. علاوه بر زبان روان و استوار همراه با نازک خیالی و مضمون یابی، تسلط او بر جنبه موسیقایی شعر، از دلایل موفقیت اوست. دقت در ظرایف و کاربرد مناسب وزن، قافیه و ردیف به شعر عرفی زیبایی خاصی بخشیده و آهنگین بودن کلامش، تا حد زیادی نتیجه کاربرد مناسب این عناصر شعری است.

این پژوهش به شیوه تحلیل محتوا و کتابخانه ای به بررسی موسیقی بیرونی و تاثیر و جایگاه آن در شعر عرفی پرداخته و پس از آوردن مقدماتی در باب شعر و موسیقی و موسیقی بیرونی، غزلیات و قصاید شاعر را از جهت کاربرد اوزان عروضی مورد بررسی قرار داده و نتایج بدست آمده در قالب جداول و نمودار هایی توصیف شده و در نهایت مشخص گردیده که اوزان شعری عرفی در قصاید و غزلیات بیشتر جویباری و در بحر رمل بوده است.

واژگان کلیدی: عرفی شیرازی، قصیده، غزل، نظام موسیقایی، وزن

1- مقدمه

زبان علاوه بر کارکرد معمولی و روزمره، کارکردی هنری نیز دارد و می‌توان با ایجاد نظم و هم نشینی متناسب میان صداها و کلمات، اثری زیبا و هنرمندانه از زبان آفرید. شعر و نثر ادبی جتوه‌های این کاربرد زبان هستند. «یکی از عناصر مهم شعر، موسیقی آن است، ناقدان شعر را موسیقی لفظ‌ها و کلمات می‌دانند، همانگونه که غنا موسیقی الحان و آهنگ هاست.» (فولادی، 89؛ 1383) و آن چه زبان معمول و روزمره را ارتقا می‌بخشد و به قلمرو ادبیات وارد می‌کند، موسیقی است، چنان که شفیعی کدکنی می‌نویسد: «مجموعه عواملی که زبان شعر را از زبان روزمره، به اعتبار آهنگ و توازن امتیاز می‌بخشند و در حقیقت از رهگذر نظام موسیقایی سبب رستاخیز کلمه‌ها و تشخیص واژه‌ها در زبان می‌شوند، می‌توان گروه موسیقایی نامید و این گروه موسیقایی خود، عوامل شناخته شده و قابل تحلیل و تعلیلی دارد از قبیل انواع وزن، قافیه، ردیف و...» (شفیعی کدکنی، 1379؛ 8)

«موسیقی یکی از عناصر سازنده شعر است که کلام را بر جسته می‌سازد و سبب تمایز زبان نظم از نثر می‌گردد.» (فیاض منش، 1384؛ 163) و در واقع «از ایجاد تناسب و توازن میان آواها، هجاها و واژه‌ها شکل می‌گیرد.» (صفوی، 1373؛ 155)

استفاده آگاهانه و هنرمندانه از عوامل موسیقی می‌تواند، در خوش آهنگی و افزایش جنبه موسیقایی شعر بسیار موثر باشد و موجب ایجاد مقبولیت و ماندگاری آن گردد. شفیعی کدکنی عواملی را که موجب ایجاد موسیقی شعر می‌شود، به دو نوع تقسیم می‌کند: (1) موسیقی بیرونی که همان وزن عروضی است بر اساس کشش هجاها و تکیه‌ها (2) موسیقی درونی که عبارت است از هماهنگی و نسبت ترکیبی کلمات و طنین خاص هر حرفی در مجاورت با حرف دیگر. «(شفیعی کدکنی، 1379؛ 51) اما فولادی آن را چهار نوع می‌داند که عبارت است از: (1) موسیقی بیرونی (وزن) (2) موسیقی کناری (قافیه و ردیف) (3) موسیقی درونی (داخلی) (4) موسیقی معنوی.» (فولادی، 1383؛ 91)

بدیهی است که اقبال عمومی به شعر، زاییده یک یا دو عامل نیست و عوامل متعددی چون مضمون آفرینی، معانی عمیق، زبان و واژگان مناسب، قالب شعری و وزن متناسب، توازن و آهنگین بودن کلام در ایجاد ماندگاری و محبوبیت شعر دخیل هستند. غزلیات و قصاید عرفی از جنبه موسیقایی قابل توجهی برخوردار است و همین ویژگی سبب شده است که بسیاری از غزلیات شاعر با موسیقی اجرا شوند (یوسفی، 1374؛ 636)

این جستار تلاشی است برای توصیف و تبیین چگونگی به کارگیری موسیقی در غزلیات و قصاید این شاعر جوان و محبوب معاصر، بدین منظور 200 غزل و 60 قصیده از مجموع دیوان شاعر انتخاب شده و از جنبه موسیقی بیرونی مورد بررسی قرار گرفت و با استفاده از محاسبات آماری و جداول و نمودارها، مختصات موسیقایی این غزلیات و قصاید مشخص و تعیین گردید.

2- بحث و بررسی

1-2) موسیقی بیرونی (وزن عروضی)

منظور از موسیقی بیرونی شعر «جانب عروضی وزن شعر است که بر همه شعرهایی که در یک وزن سروده شده اند، قابل تطبیق است.» (شفیعی کدکنی، 1379؛ 391) و خواجه نصیر الدین طوسی در تعریف وزن می گوید: «وزن، هیاتی است تابع نظام ترتیب حرکات و سکانات آن در عدد و مقدار که نفس از ادراک آن هیات، لذتی مخصوص یابد که آن را در این موضع ذوق خوانند و موضوع آن حرکات و سکانات اگر حروف باشد، آن را شعر خوانند و الا ایقاع نامیده می شود.» (شاه حسینی، 1367؛ 24)

«از دیرگاه که اصطلاح شعر به یکی از انواع هنر اطلاق شده، همواره با وزن ملازمه داشته است. افلاطون آهنگ و وزن اشعار زیبا را مسحور کننده می دانسته و ارسطو شعر را سخن موزون می داند. ابو علی سینا شعر را سخنی خیال انگیز می داند، که از اقوال موزون و متساوی ساخته شده باشد. و به نظر شمس قیس رازی شعر سخنی است اندیشیده، مرتب، معنوی، موزون، متکرر، مساوی.» (صداقت کیش، 1367؛ 80)

و استاد همایی «التذاذ از سخن موزون را، مقتضای آفرینش بشر تام الخلقه می داند.» (عبداللهی، 1363؛ 13) شفیع کدکنی تأثیرات وزن را در سه اصل زیر خلاصه کرده است: 1) لذت موسیقایی به وجود می آورد و این در طبیعت آدمی است که خواه ناخواه از آن لذت می برد. 2) میزان ضربه ها و جنبش ها را منظم می کند. 3) به کلمات خاص شعر تاکید می بخشد و امتیازی از نظر کشش کلمات ایجاد می کند.» (شفیعی کدکنی، 1386؛ 49)

موسیقی بیرونی شعر از تناسب لفظی و آهنگینی که مربوط به وزن شعر است به وجود می آید: «استفاده ایرانیان از بحر و اوزان شعر عربی در اواخر قرن دوم یا اوایل قرن سوم هجری آغاز شد و خلیل بن احمد نخستین کسی بود که بحر شعری را منظم کرد. پس از آن که ایرانیان نیز چندین بحر به اوزان افزودند. روی هم نوزده بحر از اوزان شعری که عبارت بودند از: هزج، رجز، رمل، منسرح، مقتضب، مجتث، سریع، غریب، قریب، خفیف، مشاکل، متدارک، طویل، مدید، بسیط، واف و کامل مورد استفاده شاعران ایرانی قرار گرفت ولی پنج بحر آخرین از همان آغاز، پسند طبع شاعران واقع نگردید و اگر شاعری نیز بر تکلف و طبع آزمایی، شعری در این اوزان ساخته باشد قابل توجه نیست.» (صبور، 1355؛ 219-220)

فرشید ورد، با توجه به کار آماری مسعود فرزاد از اوزان فارسی، پر استعمال ترین اوزان را زیباترین آن ها می داند و می گوید: «سه وزن «فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن»، «مفعول فاعلات فاعلات» و «مفعول فاعلات فاعلات» و

«مفاعِلن فعلاَتِن مفاعِلن فعلاَت» زیباترین وزن های شعر فارسی هستند؛ از این رو بهترین قصاید و غزلیات و قطعات بر این سه وزن آمده اند.» (فرشید ورد، 575، 1363)

تناسب و هماهنگی میان وزن و محتوا از شگردهای دیگر شاعری است که شاعران چیره دست به خوبی از آن آگاهی داشته اند و وزن کلام خود را به مقتضای محتوا و مضمون سخن به کار برده اند. فیاض منش می گوید: «شاعر با توجه به موضوع، درون مایه و مضمون شعر، موسیقی کلام خود را انتخاب می کند تا با آهنگ خاص و ویژه آن بتواند به بهترین وجهی، مقصود و مراد ذهنی خود را به خواننده القا کند. انتخاب وزن متناسب با محتوا، وسیله ای برای قدرت بخشیدن به منظور شاعر است.

وحیدیان کامیار با تاکید بر هماهنگی موضوع و وزن، اوزان و مفاهیم شعر فارسی را به پنج گروه تقسیم می کند: (1) اوزان نرم و سنگین که در معانی مانند مرثیه، هجران، درد، حسرت و گله به کار رفته است: «فعلاَتِن فعلاَتِن فعلاَتِن فعلاَتِن (فع لن) - مفاعِلن فعلاَتِن مفاعِلن فعلاَتِن (فع لن) - مفعول فاعلاَت مفاعِل فاعِلن»

(2) اوزان ضربی و تند که معانی شور انگیز و پر جذبه و حال را القا می کند: «فعلاَت فاعلاَتِن فعلاَت فاعلاَتِن - مفعِلن مفاعِلن مفعِلن مفاعِلن».

(3) وزن حماسی: «فعولن فعولن فعولن فعل».

(4) اوزان برهانی و جدلی مناسب معانی پند و اخلاق و حکمت: «مفعول مفاعِل فاعلاَتِن - مفعول مفاعِلن مفاعِلن - مفعول فاعلاَت مفاعِلن».

(5) اوزان دل نشین و شیرین و آرام که مناسب مضامین آرام بخش یا عاشقانه است: «مفاعِلن مفاعِلن مفاعِلن مفاعِلن - مفاعِلن مفاعِلن مفاعِلن مفاعِلن فعولن - مفاعِلن مفاعِلن مفاعِلن مفاعِلن فعولن یا مفعول مفاعِل مفاعِلن فعولن» (وحیدیان کامیار، 1386؛ 74-72)

با بررسی به عمل آمده، در قصاید و غزلیات عرفی شیرازی، می توان ادعا نمود که عرفی اوزان عروضی را به خوبی شناخته و مضامین اشعارش با وزن های به کار رفته مطابقت می نماید. او از اوزان ثقیل استفاده نکرده و سخنش فاقد سکنه ها و وقفه های نامطبوع است. از حدود 200 غزل و 60 قصیده بررسی شده، از 7 بحر و زحافات آنها استفاده نموده است و استفاده فراوان از اختیارات شاعری و زحافات شعری، ضمن اینکه اشعارش را متنوع نموده، موسیقی کلامش را افزایش داده است. او در این قصاید و غزلیات انتخاب شده به عنوان نمونه، 15 وزن را به کار گرفته است. پرکاربردترین بحر عروضی در اشعار عرفی، بحر رمل است که 56 غزل و 15 قصیده را در این بحر سروده و کم ترین کاربرد، بحر های منسرح، خفیف و رجز است که در بحر رجز 3 غزل و در بحر خفیف 2 غزل و 6 قصیده و در بحر منسرح 2 غزل و 1 قصیده سروده است. در این نوشتار به اختصار، بحر ها و اوزانی را که عرفی در غزلیات و قصایدش به کار گرفته است، بررسی می شوند.

1) بحر رمل:

عرفی 56 غزل و 15 قصیده را که اغلب دارای مضامین پند و اندرز و چاشنی عرفانی بوده، در این بحر که لحنی نرم و آرام داشته و بایسته این مضامین است، سروده است، که عبارتند از:

1-فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن: 26 غزل و 8 قصیده؛ مثال:

در قصیده ای در مدح شاهزاده سلیم گوید:

نوبهار آمد که افشاندچو حسن یار گل چون وصال یار ریزد هر خس و هر خار گل

(د،ق؛ش26)

و در غزل:

دل به صدره می رود اما مراد دل یکیست (د،غ؛ش83)

2-فاعلاتن فاعلاتن فعلاتن فع لن: 30 غزل و 6 قصیده؛ مثال:

در قصیده ای در مدح حکیم ابو الفتح گوید:

ای شب هجر تو در دیده خورسید سبل چشم روح القدس از شوق جمالت احول

(د،ق؛ش25)

و در غزل زیر:

شب عشاق زروز دگران در پیشست (د،غ؛ش124)

3-فاعلاتن فاعلاتن فاعلن: 1 قصیده و 1 غزل؛ مثال:

در قصیده ای در مدح میر ابو الفتح گوید:

باز گلبانگ پریشان می زرم آتشی در عندلیبان می زرم

(د،ق؛ش30)

و در غزل:

تنشنه ام رطل گران خواهم گزید (د،غ؛ش159)

4-فعلات فاعلاتن فعلات فاعلاتن: یک غزل در این بحر سروده:

به جهان چه کار سازم که به ساختن نیرزد (د،غ؛ش180)

5-فاعلاتن فع لن فاعلاتن فع لن: یک غزل

راحت آلوده به آن سینه که افکار تو نیست (د،غ؛ش139)

2- بحر مجتث:

این بحر از ترکیب اوزان رجز و رمل (مستفعلن فاعلاتن) حاصل می شود و زحافات آن مطبوع و رایج است. از ویژگی های این بحر، سنگینی و وقار اوزان است. عرفی 20 قصیده و 38 غزل در این بحر سروده است.

1-مفاعیلن فاعلاتن مفاعیلن فع لن:مثال:

در قصیده ای در ذکر مفاخر خانانان گوید:

بیا که با دلم آن می کند پریشانی که غمزه تو نکردست با مسلمانی

(د،ق؛ش51)

و در غزل:

می مغانه که از درد شور و شر صافست (د،غ؛ش68)

3-بحر هزج:

این بحر از ترکیب مفاعیلن و زحافات آن شکل می گیرد و کاربرد فراوان دارد. اوزان آن ضربی و شادی آفرین است و بیش تر مناسب مضامین عاشقانه می باشد. «و بیش تر سروده ها و آواز های عرب در این بحر است.» (شاه حسینی، 1367؛ 66)

عرفی 45 غزل و 11 قصیده در این وزن سروده است.

1-مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن:3قصیده و 7 غزل؛مثال

ز خود گر دیده بر بندی بر آنم کام جان بینی همان کز اشتیاق دیدنش زاری همان بینی

(د،ق؛ش54)

و در غزل:

گرفتم اینکه شب در خواب کردم پاسبانش را (د،غ؛ش17)

2-مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن (فعولن):1غزل و 1 قصیده،مثال:

در قصیده عمان الجواهر در نعت حضرت رسول گوید:

دل من باغبان عشق و حیرانی گلستانش ازل دروازه باغ و ابد حد خیابانش

(د،ق؛ش19)

و در غزل:

نه مهر دوست خواهم نه کین دشمنان را (د،غ؛ش21)

3-مفعول مفاعیل مفاعیل فعولن: 27 غزل و 1 قصیده، مثال:

در وصف کشمیر گوید:

هر سوخته جانی که به کشمیر در آید گر مرغ کباب است که با بال بر آید

(د،ق؛ش10)

و در غزل:

باز آتش غم در آغوش خس ماست (د،غ؛ش78)

4-مفاعیلن مفاعیلن فعولن: 2 غزل و 1 قصیده، مثال:

در شکایت از وضع زمان در قصیده ای گوید:

سری در عهد ما سامان ندارد کسی کو آب دارد نان ندارد

(د،ق؛ش11)

و غزل:

دو عالم سوختن نیرنگ عشق است (د،غ؛ش73)

5-مفعول مفاعیلن مفعول مفاعیلن: 3 قصیده، مثال:

در ستایش رسول(ص) گوید:

اقبال کرم می کرد ارباب هم را همت نخورد نیشتر لا و نعم را

(د،ق؛ش2)

و نیز:

ای داشته در سایه هم تیغ و قلم را وی ساخته آرایش هم حلم و کرم را

(د،ق؛ش1)

6-مفعول مفاعیلن فعولن: 4 قصیده و 2 غزل، مثال:

در قصیده ای در نعت پیامبر گوید:

ای برزده دامن بلا را سر در پی خویش داده ما را

(د،ق؛ش3)

و غزل: هجران شب تار ما ندارد (د،غ؛ش161)

4- بحر مضارع:

این بحر از ترکیب ارکان عروضی هزج و رمل (مفاعیلن مفاعیل) به دست می آید و زحافات آن بیشتر کاربرد دارد.

7 قصیده و 50 غزل در این بحر سروده شده است.

1-مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن:

گر دل عنان فرصت از آغاز می گرفت (د،غ؛ش79)

در ستایش حضرت امیر(ع) در قصیده ای آمده است:

این بارگاه کیست که گویند بی هراس کای اوج عرش سطح حضيض ترا مماس

(د،ق؛ش18)

5-بحر رجز:

«اکثر اشعار عرب که در شرح مفاخر پیشینیان و صفت مردانگی قوم عرب سروده شده است، در این بحر می باشد.»(عبداللهی، 1363؛ 76) و از ترکیب «مستفعِلن» و زحافات آن به دست می آید.

1-مفتعلن مفاعلن مفتعلن مفاعلن: 3 غزل در این بحر سروده شده است.

می کش و مست عشوه کن نرگس می پرست را (د،غ؛ش25)

6-بحر خفیف:

این بحر از ترکیب «فاعلاتن مستفعِلن فاعلاتن» حاصل می شود. اوزان این بحر، اغلب شاد و نسبتاً ضربی می باشند.

1-فاعلاتن مفاعلن فع لن: 3 غزل و 6 قصیده در این بحر سروده شده است.

نعره زد عشق و دین ما بگریخت (د،غ؛ش118)

در قصیده ای در مدح حکیم ابوالفتح گوید:

صاحباً عید بر تو میمون باد عید نیز از رخت همایون باد

(د،غ؛ش9)

2-فاعلاتن مفاعلن فعلاتن: 1 قصیده در حسب حال خود گوید:

گر به دل خوش غنودمی چه غمستی بی غم اگر شاد بودمی چه غمستی

(د،غ؛ش60)

7- بحر منسرح:

این بحر چندان در غزل به کار گرفته نمی شود. روانی آهنگ از خصوصیات این بحر است. از ترکیب «مستعلن مفعولات» بدست می آید و اصل آن کار برد ندارد. عرفی 2 غزل و 1 قصیده در این بحر سروده است.

1-مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلن:

در حکمت و موعظت در قصیده ای گوید:

عادت عشاق چیست مجلس غم داشتن حلقه شیون زدن ماتم هم داشتن

(د، غ؛ ش 44)

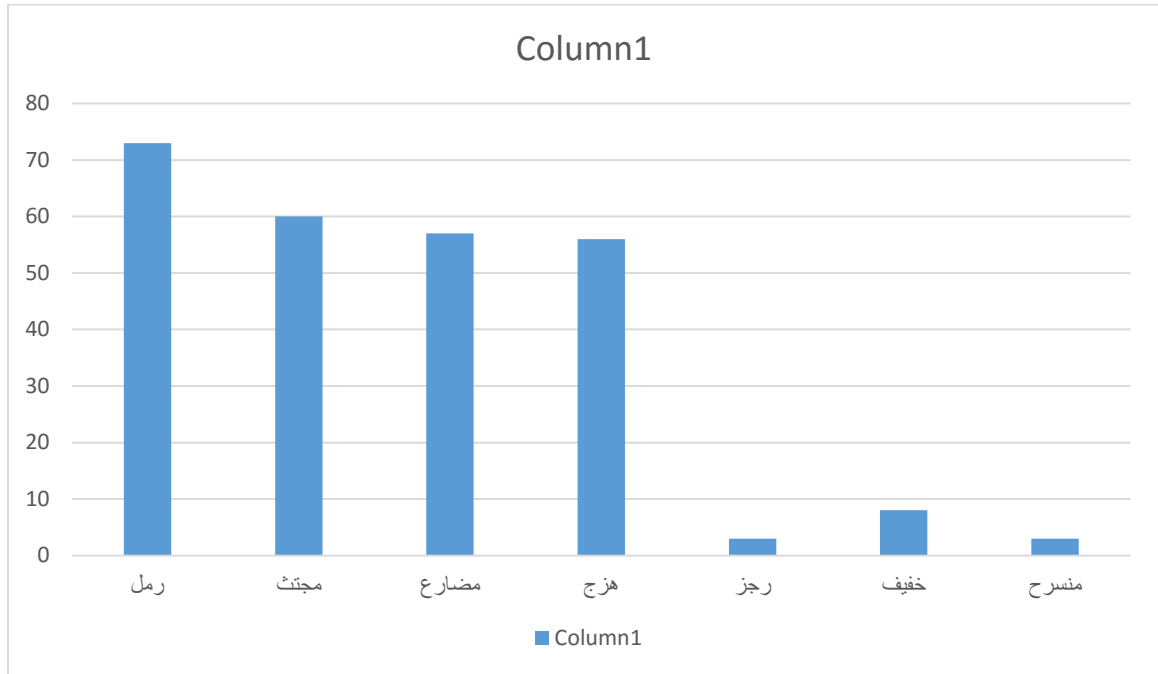
دل چو به غم شاد زیست مهر و وفا زو طلب (د، غ؛ ش 28)

2-2-1) تحلیل ویژگی های وزنی

داده ها و اطلاعات فوق را در مورد ویژگی های وزنی و به کار گیری بحرهای عروضی در غزلیات و قصاید عرفی شیرازی، در قالب جدول و نمودار زیر ترسیم می کنیم.

جدول و نمودار میزان استفاده از بحرهای عروضی

منسرح	خفیف	رجز	مضارع	هزج	مجتث	رمل
3	8	3	57	56	60	73



3- نتیجه گیری

بررسی های انجام شده در قصاید و غزلیات عرفی شیرازی نشان می دهد که وی به ارزش و تاثیر انواع موسیقی در شعر صبه خوبی آگاهی داشته است. از این روی موسیقی در اشعار او جایگاه والایی دارد.

استفاده از محور آهنگین و وزن های رایتج شناخته شده نیز در مقبولیت شعر او تاثیر زیادی دارد. استفاده از اوزان جویباری در حدود 90% از اشعار، به کلام او روانی و سادگی جذابی بخشیده است و به جای استفاده از وزن های غریب و غیر رایج، مناسب دانسته، وزن های آشنا و شناخته شده را بیش تر به کار گیرد. علاوه بر آن وجود تناسب میان وزن و محتوا، به کلامش فصاحت و رسایی خاصی بخشیده است.

پا نوشت ها

1- در بخش ارجاع «د» نشانه دیوان «ق» نشانه قصیده و «غ» نشانه غزل می باشد.

فهرست منابع

- ##-حق شناس، علی محمد.(1370).مقالات ادبی-زبان شناختی، چاپ اول، تهران: نیلوفر.
- ##-شاه حسینی، ناصرالدین.(1367).شناخت شعر(عروض و قافیه)، چاپ اول، تهران: هما.
- ##-شفیعی کدکنی، محمدرضا.(1370).صور خیال در شعر فارسی، چاپ چهارم، تهران: آگاه.
- ##------.(1379).موسیقی شعر، چاپ ششم، تهران: آگاه.
- ##-صبور، داریوش.(1355).آفاق غزل شعر فارسی، تهران: آوا.
- ##-صداقت کیش، محمد تقی.(1367).«وزن غزل های حافظ و مقایسه آن با وزن سعدی»، کیهان فرهنگی، س پنجم، ش هشتم، ص80.
- ##-صفوی، کورش.(1373).از زبان شناسی به ادبیات (جلد اول، نظم)، چاپ اول، تهران: چشمه.
- ##-عبداللهی، رضا.(1363).زحافات شعر فارسی، چاپ اول، تهران: امیرکبیر.
- ##-عرفی شیرازی، محمد.(1363).دیوان عرفی، چاپ اول، تهران: سمت.
- ##-فرشیدورد، خسرو.(1363).درباره ادبیات و نقد ادبی، جلد اول و دوم، چاپ اول، تهران: امیرکبیر.
- ##-فولادی، محمد.(1383).تحلیل سیر نقد شعر فارسی، چاپ اول، قم: قم.
- ##-فیاض منش، پرند.(1384).«نگاهی دیگر به موسیقی شعرو پیوند آن با موضوع تخیل و احساسات شاعرانه»، مجله پژوهش زبان و ادبیات فارسی، ش4، صص163-189.
- ##-وحیدیان کامیار، تقی.(1386).وزن و قافیه شعر فارسی، چاپ هفتم، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ##-یوسفی، غلامحسین.(1379).چشمه روشن، چاپ ششم، تهران: انتشارات علمی.